

بررسی تحلیلی ابعاد مختلف ازدواج سفید در ایران (مؤلفه‌ای از سبک زندگی غربی)

سیدحسین شرف‌الدین*

جلال عراقی**

چکیده:

از جمله مسائل مستحدثه و غیرمنتظره در جامعه ایران معاصر در دهه کنونی، پدیده موسوم به «ازدواج سفید» است. ازدواج سفید به‌عنوان مؤلفه‌ای انضمامی از سبک زندگی مدرن، با مختصات ویژه تقریباً هیچ تناسب معناداری با نیازها، انتظارات، اقتضائات، زیرساخت‌های فرهنگی، الگوها و قواعد هنجاری و تجربه‌های زیسته جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه مذهبی دارای اکثریت مسلمان، برخوردار از حاکمیت دینی و ملتزم به شریعت اسلامی ندارد. به دلیل همین ناهمخوانی است که این پدیده به‌رغم نوظهور بودن و کمیت وقوعی بسیار محدود آن (عمدتاً در برخی کلان‌شهرها و در میان شمار اندکی از شهروندان) حساسیت‌های بسیار زیادی را در سطح عموم برانگیخته و اندیشمندان علوم اجتماعی را در جهت یافتن علل و دلایل مؤثر در تکون و بسط تدریجی و آرام آن و نیز آثار و پیامدهای مختلف آن به فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی برانگیخته است. نوشتار حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با ارجاع به منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه اکتشافی با برخی از کارشناسان و نیز مشاهدات عینی، این پدیده را تا حد امکان، از ابعاد مختلف موردبررسی و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: ازدواج، ازدواج سفید، خانواده، زمینه‌های محیطی، آثار و پیامدها.

* دانشیار گروه علوم اجتماعی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

sharaf@qabas.net

** پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

eraghi115@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۴

مقدمه

در یک دهه اخیر در برخی کلان‌شهرهای ایران با پدیده وارداتی جدیدی به نام «ازدواج سفید» مواجهیم؛ پیوندی ظاهراً بدیع، ساده، صمیمی، عاری از رسومات و تشریفات معمول، عاری از تعهدات عرفی و قانونی، اخلاق محور و درعین حال، سنت‌گریز و بلکه سنت ستیز که وقوع برخی از تحولات جدی در حوزه خانواده را گوش‌زد می‌کند. ازدواج سفید، از ابتدای طرح در جامعه به دلیل ماهیت تابویی و حساسیت برانگیز آن، از ظهور و بروز عینی و جلب توجه رسانه‌ای و آکادمیک تقریباً به دور مانده و به همین دلیل بسیاری از سازمان‌های مسئول و افکار عمومی اطلاع چندانی از کم و کیف وقوعی آن ندارد. برچسب تابویی و بیگانگی یک پدیده علاوه بر اینکه موجودیت آن را از متن به حاشیه و از ظهور به خفا سوق می‌دهد، احساس نیاز به مطالعه و تحقیق با هدف شناخت زمینه‌ها و ابعاد و اضلاع آن و نیز چاره‌اندیشی برای مواجهه واقع‌بینانه را نیز به‌طور معمول از دستور کار مسئولان ذی‌ربط و نهادهای مدنی خارج می‌سازد. دلیل التفات اجمالی اخیر برخی از پژوهشگران عمدتاً با رویکرد آسیب‌شناسانه (فقهی، اخلاقی و جامعه‌شناختی) و برخی سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد درگیر در فعالیت‌های امدادی و بهزیستی، عمدتاً به دلیل بروز برخی از مشکلات و آسیب‌های غیرمنتظره‌ای است که این میهمان ناخوانده و مغفول انگاشته، پدید آورده و هزینه‌هایی را تحمیل کرده است. هنوز بسیاری از شهروندان عادی و بلکه کارشناسان مسائل اجتماعی در مقام سؤال از چیستی، فراوانی و گستره وقوعی، چرایی (علل، دلایل و توجیها)، اشکال و صور محقق، روند جاری، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی، چگونگی تعامل با آن (به‌مثابه یک کنش اجتماعی نابهنجار و آسیبی یا یک الگوی بدیل برای حل برخی مشکلات زناشویی) اظهار بی‌اطلاعی کرده یا به پاسخ‌های سطحی و حدسی بسنده می‌کنند.

«ازدواج سفید» معادل واژه (Cohabitation) معرف نوعی پیوند شبه زناشویی، هم‌خانگی، هم‌بالینی، همزیستی و... است که عمدتاً با هدف تأمین و ارضای نیازهای متقابل عاطفی و جنسی میان دختران و پسران مجرد یا مطلقه جریان دارد. ازدواج سفید از جمله مؤلفه‌های نوظهور سبک زندگی غربی است که به ادعای برخی تحلیل‌گران مسائل اجتماعی متعاقب وقوع انقلاب جنسی در آمریکا (۱۹۶۰) در این کشور و برخی از کشورهای اروپایی و کانادا، هرچند در سطح محدود جریان یافت و به‌مرور زمان در برخی از این کشورها به دلیل تقاضا و اقتضائات محیطی، تسامح عمومی، تبلیغات رسانه‌ای، اقدامات تقنینی، فضاسازی گفتگومانی و... به‌عنوان نوعی ازدواج دارای مشروعیت قانونی و محمل توجیهی در بستر فرهنگی اجتماعی این جوامع جا خوش کرد؛ اگرچه طبق شواهد هنوز هم بخش قابل توجهی از مردم آن را به‌مثابه یک انحراف توجیه یافته تلقی می‌کنند. در هر حال، این پدیده نوظهور در یکی دو

دهه اخیر از رهگذر فرایند جهانی شدن و ارتباطات گسترده میان فرهنگی به‌ویژه از طریق رسانه‌های جهان گستر هم‌چون ماهواره و اینترنت به سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی (مثل ترکیه، مصر، امارات و...) نیز ورود کرده و در حاشیه بافت غالباً سنتی این جوامع سکنی گزیده است. وجود برخی مشکلات بعضاً لاینحل در مسیر ازدواج رسمی به‌موقع جوانان در این کشورها، ناخواسته زمینه پذیرش این قبیل الگوهای وارداتی و پراسیب را فراهم ساخته و بعضی نیز سعی دارند با توسل به تفسیرها و توجیهاات واهی، از آن قبح‌زایی کرده و حساسیت افکار عمومی را فروکاهند.

بارزترین ویژگی این پیوند شبه زناشویی که منشأ بسیاری از آسیب‌ها شده، فقدان مسئولیت‌پذیری و تعهدمندی شرعی و قانونی طرفین به ملزومات یک پیوند عقلایی و قرارداد اجتماعی است. گفتنی است پیمان و تعهدی که مدافعان این پیوند از آن دم می‌زنند، صرفاً ماهیت اخلاقی و اظهاری داشته و قاعدتاً در صورت تخلف و نقض تعهد، هیچ ضمانت اجرا و اهرم فشاری برای الزام طرف یا طرفین متخلف به رعایت تعهدات فی‌مابین و اقتضائات حقوقی آن وجود ندارد؛ و باز به دلیل فقدان رسمیت و وجاهت قانونی، به هیچ محکمه قضایی نمی‌توان عارض شد و از هیچ مرجع رسمی نمی‌توان توقع دادستانی، پیگرد و توبیخ نقض‌کننده پیمان را داشت. همچنین این نوع پیوند، به دلیل تزلزل ذاتی، فقدان مشروعیت رسمی و عرفی، از حمایت جامعه مدنی و عرف اجتماعی نیز محروم است و احتمالاً به دلیل همین ویژگی است که افراد هوسران (به‌ویژه مردان) و طالبان کام‌جویی‌های فرصت‌طلبانه، مشتاقانه بدان وسوسه می‌شوند و از آن استقبال می‌کنند.

این پیوند هرچند بستری متزلزل برای دریافت درجاتی از کامروایی و کام‌جویی مشترک و تأمین نسبی نیازهای عاطفی و جنسی متقابل را میسر می‌سازد اما به دلیل فقدان شالوده‌های نهادی، مجوزات عرفی، قانونی و شرعی؛ و تقبیح و نکوهش اجتماعی نمی‌تواند آرامش و آسایشی که نوعاً مردان و زنان از مجرای ازدواج رسمی جستجو می‌کنند، به ارمغان آورد. روشن است که در این پیمان، شریک جنسی مؤنث به دلیل موقعیت متفاوتش، بیش از شریک جنسی مذکر، احساس تزلزل، ناامنی، ناخرسندی روانی و خسران اجتماعی دارد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که فقدان امنیت و آرامش روانی و نگرانی مداوم از بروز وضعیت‌های غیرمنتظره و نگران‌کننده در آینده به‌ویژه برای زنان حتی در جوامع غربی که در ظاهر، از زمینه‌ها، محل‌ها و مجوزات بیشتری برای کسب مقبولیت و دفع حساسیت‌ها در فرهنگ عمومی یا نهادهای رسمی برخوردار است، همچنان وجود دارد. مطالعات انجام‌شده بیش از توجه دادن به پیامدهای مطلوب و خرسندکننده ادعایی آن، از مخاطرات، کژکارکردها و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی آن در کوتاه‌مدت یا درازمدت پرده‌برداری کرده‌اند. تردیدی نیست که ابتلای عاملان به این سنخ عوارض و پیامدها در یک جامعه مذهبی مثل ایران

که با شدت و حدت تمام بر غیرقانونی بودن و عدم مشروعیت این سنخ پیمان‌ها و متقابلاً بر انحصار طریق مجاز ارضا به ازدواج شرعی و پذیرفته‌شده اصرار می‌ورزد و عاملان را به هواپرستی، تجاهر در گناه و ارتکاب فحشاء متهم می‌سازد، ده‌ها برابر بیشتر و پرهزینه‌تر است. روشن است که واکنش متشرعان به‌عنوان اکثریت جامعه به این سنخ ارتباطات، بسیار خشن و طردکننده خواهد بود. از دید برخی کارشناسان فرهنگی اجتماعی، این سنخ الگوهای وارداتی کاملاً ناهم‌سو با بافت سنتی مذهبی جامعه ایران و ساختارهای نهادینه آن، هرچند ممکن است به دلیل برخی محدودیت‌ها و سنگلاخ‌ها در مسیر ازدواج رسمی و تعویق غیرمنتظره آن و نیز جاذبه‌های عاطفی و شهوانی آن به‌ویژه در کام مردانی که لذت‌جویی نو به نو، پیاپی، و درعین‌حال، عاری از تعهدات رسمی و الزامات عرفی و قانونی را فرصتی طلایی می‌انگارند، به‌صورت موقت یا حتی مداوم اما همچنان به‌صورت پنهان به حیات طفیلی خود ادامه دهد؛ اما به دلیل تخالف صریح آن با گفتمان فرهنگی، بنیادهای اعتقادی و ارزشی، بسترهای نهادی، قواعد ساختی، سبک زندگی، تجربه‌های زیسته، معیارهای اخلاقی، احکام و قواعد فقهی حاکم و پذیرفته‌شده این جامعه، هیچ‌گاه به‌مثابه یک الگوی بدیل در جنب الگوهای نهادی شده و دارای اعتبار و مشروعیت عرفی و شرعی (ازدواج دائم و تا حدی موقت) به رسمیت شناخته نخواهد شد و مشمول ارزش‌گذاری عرف عام و بالاتر از آن شریعت و قانون قرار نخواهد گرفت. البته از دید برخی، این خوش‌بینی را باید با قید «تا اطلاع ثانوی» مقید کرد چراکه اقتدار هژمونیک و نفوذ پرشتاب فرهنگ غرب و مؤلفه‌های زیستی آن، تاکنون بسیاری از این محالات عادی را در جهان سنت ممکن ساخته یا دست‌کم از حساسیت و زمختی آن کاسته است.

کین هنوز از نتایج سحر است

باش تا صبح دولتش بدمد

(۱) پیشینه

همان‌گونه که در قبل اشاره شد، «ازدواج سفید» در ایران به دلیل وارداتی و نوظهور بودن و بالاتر از آن، جریان یابی پنهان و بطی در زیرپوست شهر، تاکنون چندان‌که باید در معرض مطالعات و کاوش‌های عالمانه و محققانه قرار نگرفته و احتمالاً به همین دلیل (= فقر داده و فقدان تحلیل) مورد التفات جدی رسانه‌های جمعی و به‌تبع آن افکار عمومی و جامعه مدنی قرار نگرفته است. موقعیت تابویی آن در جامعه ما نیز احتمالاً در این بی‌مهری بی‌تأثیر نبوده است. سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی کشور نیز به دلیل همین ناشناختگی و کم و کیف نامشخص آن در واقعیت عینی، تاکنون آن را سزاوار نظارت، کنترل، چاره‌اندیشی و مقابله تشخیص نداده‌اند. بی‌شک، پرداخت توصیفی، تبیینی، تفسیری و انتقادی روشمند و محققانه این مسئله با رویکردهای مختلف، گامی مهم و اساسی و

پیش‌نیازی گریزناپذیر برای سایر اقدامات فرهنگی، اجتماعی، قضایی، تقنینی و بهداشتی- درمانی خواهد بود. تا آنجا که پی‌جویی‌های نویسندگان نوشتار حاضر نشان می‌دهد، در این موضوع تاکنون تعداد اندکی مقاله، پایان‌نامه، مصاحبه و یادداشت‌های اینترنتی (عمدتاً در وب‌سایت‌ها و بلاگ‌های محققان علوم اجتماعی) تألیف یافته است. قابل ذکر است که تاکنون هیچ کتابی در این باره تألیف نشده یا در بازار نشر عرضه نشده است. در بخش ترجمه نیز اقبال چندانی به انتقال ادبیات تولیدی در کشورهای غربی به جامعه فارسی‌زبان از سوی مترجمان نشان داده نشده است. البته انکار نمی‌توان کرد که در ضمن برخی از منابع تألیفی و ترجمه‌ای مربوط به خانواده و احوالات آن، به این موضوع نیز استناداً اشاراتی رفته است. از جمله ویژگی بارز آثار عرضه‌شده از جمله نوشتار حاضر، مواجهه نظری با یک واقعیت زنده، عینی، جاری و رو به رشد با ابعاد و اضلاع مختلف، در بطن اجتماع است. از این میان، تنها یک استثنا وجود دارد و آن پژوهش میدانی دکتر کامیل احمدی است که نوید نشر آن در قالب کتاب در آینده نزدیک داده شده است. گزارشی از این پژوهش که با روش گراند تئوری و با تکنیک مصاحبه عمیق با بیش از دویست نفر از کنشگران این عرصه در سال ۱۳۹۷ به انجام رسیده، با نام «خانه‌ای با در باز: پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران» در سایت ایشان به آدرس (kameelahmady.com) ذخیره شده است. در ادامه جهت اطلاع علاقه‌مندان این حوزه، به معرفی برخی از آثار نشر یافته پرداخته می‌شود:

کتاب «خانواده ایرانی و تغییرات، چالش‌ها و آینده آن» نوشته تقی آزاد ارمکی، انتشارات تیسرا، ۱۳۹۵ که در ضمن آن به ازدواج سفید اشاره شده است؛ همچنین کتاب «خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی» نوشته محمدمهدی لیبیی، نشر علم، ۱۳۹۳؛ کتاب «روابط دختر و پسر قبل از ازدواج» نوشته فاطمه افراسیابی و صغری افراسیابی، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۹۰. مقالاتی نیز تاکنون در این باره نوشته شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «همخانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، تقی آزاد ارمکی و همکاران، دوفصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۰؛ «بررسی نکاح معاطاتی از منظر فقه و حقوق موضوعه»، سید باقر سیدی بنایی، فصل‌نامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۰؛ «بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب» مهدی قنبریان، مطالعات حقوق، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۶؛ «بازپژوهی فقهی ازدواج سفید»، موسی لشنی، دو فصل‌نامه گفتمان فقه و اصول، سال سوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷؛ «ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران»، افروز عبدی نیان و بتول علامت ساز، ماهنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال دوم، شماره ۱۱، فروردین ۱۳۹۸؛ «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر»، محبوبه جوکار، فصل‌نامه طهورا، سال سوم، شماره ۵، بهار ۱۳۸۹ منابع دیگری نیز وجود دارد که

در مقایسه از اهمیت کمتری برخوردارند. وجه امتیاز این نوشتار، جامعیت نسبی در رویکرد و بهره‌گیری از دیدگاه برخی کارشناسان اجتماعی است.^۱

۲) مفهوم شناسی

ازدواج سفید^۲ برابر نهاد مبهم و نه‌چندان مناسبی از واژه (Cohabitation) به معنای هم‌باشی، هم‌بالینی، هم‌زیستی و هم‌خانگی دختر و پسرها (یا زنان و مردان مطلقه) در زیر یک سقف برای مدتی نامعلوم است.^۳ وجه نام‌گذاری آن به سفید یا سپید احتمالاً برای این است که این پیوند تا اطلاع ثانوی و شاید هیچ‌وقت، در شناسنامه طرفین ثبت و ضبط نمی‌شود. احتمالات دیگری نیز در چرایی این نام‌گذاری طرح شده که ضرورتی به ذکر آن وجود ندارد. هدف از این باهم بودگی، طبق ادعا حصول آشنایی بیشتر برای تصمیمات بعدی، تأمین نیازهای عاطفی، ارضای تمتعات جنسی (و در مواردی کسب درآمد مالی یا کمک‌خرج برای جنس مؤنث) است. این نوع پیوند معمولاً طی پنج مرحله به وقوع پیوسته و انحلال می‌یابد: مرحله آشنایی و تبادلات احساسی رفتاری، مرحله شیفتگی و جذب متقابل (عاشق شدن)، مرحله به هم پیوستن و ابراز علاقه به زندگی در جوار هم مرحله بروز اختلاف، ناسازگاری و تنش در روابط متقابل و غالباً عدم توان لازم برای بهره‌گیری از سازوکارهای منطقی جهت حل آن؛ و درنهایت تصمیم به مفارقت و رهایی غالباً دائم و پایان دادن به این رابطه متزلزل.

«ازدواج سفید» به‌عنوان مؤلفه‌ای از سبک زندگی نوظهور غربی و یک الگوی زیست مشترک وارداتی و غیر اصیل، معرف نوعی پیوند عاطفی، تعلق شهوانی و بسترسازی جهت زیست مشترک شبه زناشویی است که با نقض صریح معیارهای ملحوظ در سنت مرسوم و رویه معهود و مألوف برای تأمین اغراض و دواعی منظور صورت می‌پذیرد. ازدواج سفید در شکل جاری نسبتاً پنهان آن در برخی کلان‌شهرهای ایران (و نیز همسان با فرم غالب آن در بیشتر کشورها) ازدواجی است عاری از تشریفات عرفی، قانونی و شرعی، عاری از عقد نکاح و صیغه شرعی (ایجاب و قبول)، ثبت‌ناشده در دفاتر و محاضر رسمی، عاری از هر نوع تعهد به پذیرش حقوق و تکالیف متقابل و مشترک و سایر الزامات و اقتضائات (مثل الزام به حسن سلوک و معاشرت معروف، تمکین عام، تمکین خاص، وفاداری، اعطا و دریافت نفقه، تعیین کمیت زمانی مزاجت، برخورداری از سهم‌الارث، حق حضانت فرزندان

۱. در این نوشتار علاوه بر تحلیل محتوای برخی مصاحبه‌های انجام‌شده با اساتید و پژوهشگران همچون دکتر اسان‌الله قرائی مقدم، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه؛ آرش دولشاهی، وکیل دادگستری؛ رسول رمضان زاده، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شریف؛ با دو نفر از پژوهشگران حوزه خانواده آقایان دکتر مجید کافی، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و حاجت‌الاسلام رحیم کارگر، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی نیز مصاحبه اختصاصی به عمل آمد. نظرات انتقادی دکتر محمدرضا سالاری‌فر، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در ارزیابی نوشتار نیز موردتوجه قرار گرفت.

۲. احتمالاً وجه این معادل، کاربرد واژه (white marriage) در برخی منابع است.

۳. لازم به ذکر است که باهم بودگی، ملازمه‌ای با سکونت زیر یک سقف ندارد.

محتمل، حق طلاق، الزام به رعایت عده پس از جدایی و سایر ملاحظات الزامی و ترجیحی و انتظارات ایجابی و سلبی که عرف کنونی جامعه ایران، از زوجین درگیر در ازدواج متعارف و عمدتاً به استناد قوانین شرعی انتظار دارد.

از این رو، نام‌گذاری آن به «ازدواج» با توجه به فقدان مقومات و مؤلفه‌های دخیل در پیمان زناشویی مرسوم و مألوف، مبتنی بر نوعی شبیه‌سازی و تسامح است که احتمالاً برای کاهش حساسیت افکار عمومی صورت گرفته است. ازدواجی که در آن طرفین خود را شریک جنسی می‌خوانند و مدعی زوجیت و همسری از نوع متعارف آن نیستند، ازدواجی که فلسفه وجودی آن بیشتر ارضای نیاز جنسی فارغ از تعهدات قانونی و تشریفات معمول در ازدواج‌های رسمی است؛ ازدواجی که به لحاظ نوع قرارداد ذاتاً متزلزل است و اگر نیمچه تعهدی هم در آن باشد بیشتر اخلاقی است تا حقوقی؛ اساساً ازدواج نیست تا به وصف سفید یا غیر آن موصوف شود.

گفتنی است که این نوع پیوند هرچند در سال‌های اخیر در برخی کشورهای غربی نظیر فرانسه، سوئد، نروژ و اسپانیا توسط نهادهای مسئول به رسمیت شناخته شده و برای افراد، حقوق و بعضاً تکالیفی متقابل و کم‌وبیش مشابه ازدواج رسمی در آن مقرر و ملحوظ شده اما به‌رغم فراوانی وقوع و روند فزاینده آن تاکنون چندان‌که باید در عرف عام و افکار عمومی مقبولیت و اعتبار فرهنگی نیافته است. در هر حال، فارغ از موقعیت هنجاری آن در این جوامع، در بسیاری از کشورهای جهان (اسلامی و غیر اسلامی)، از جمله کشور ما، در عین جریان یابی زیرپوستی و کمیت نازل آن، پیوندی نامشروع، غیرقانونی و مجرمانه تلقی می‌شود (ر.ک: آزاد ارمکی و همکاران ۱۳۹۱؛ آزاد ارمکی و همکاران ۱۳۹۰؛ محمدی اصل ۱۳۹۳، ۲۰؛ بستان ۱۳۹۲، ۶۳؛ مینوی ۱۳۹۳؛ ساروخانی ۱۳۸۵، ۸۱-۸۲؛ رضایی ۱۳۹۴؛ لغت‌نامه آنلاین ویکی‌پدیا).

۳) علل، دلایل و انگیزه‌ها

رواج هرچند حداقلی پدیده «ازدواج سفید» به‌رغم قبح شدید فرهنگی، محدودیت‌های شرعی و قانونی عبور ناپذیر و فشارهای اجتماعی، به علل، دلایل، بهانه‌ها و زمینه‌های محیطی متعددی مستند است. اهم این عوامل (در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی) در یک برآورد نظری و با ارجاع به اندک مطالعات انجام‌شده و مصاحبه با کارشناسان، در موارد ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

الف) عدم اعتقاد به مطلوبیت و رجحان ازدواج رسمی (برخی زنان و بلکه مردان در قالب یک اعتراض مدنی آرام به الگوی غالب و رسمی ازدواج، به ازدواج سفید تن درمی‌دهند. الگوی رایج از دید ایشان به‌رغم شروط چندگانه ضمن عقد که در راستای اصلاح وضعیت حقوقی زن در دفترچه‌های ازدواج توسط نهادهای مسئول مندرج شده، همچنان متضمن

درجاتی از ظلم و تبعیض علیه زنان است. از دید این عده، زنان هنوز هم برای خروج از منزل، ادامه تحصیل، اشتغال در بیرون، انتخاب محل سکونت، اخذ وکالت برای خروج از کشور به اجازه شوهران نیازمند دارند؛ آن‌ها از برابری در حق طلاق همچنان محروم‌اند، در صورت وقوع طلاق نسبت به حضانت فرزندان خود محدودیت جدی دارند؛ قانون تقسیم اموال گردآمده در طول دوره زندگی مشترک اعمال و اجرا نمی‌شود؛ مهریه مقرر به بهانه‌های مختلف از زنان دریغ داشته می‌شود؛ اجرت‌المثلی که قانون در ازای خدمات درون خانگی برای زنان مقرر داشته به یک شوخی شبیه‌تر است تا حق قانونی؛ به قول و وعده‌های فریبنده مردان در ابتدای ازدواج معمولاً وفا نمی‌شود؛ آمار طلاق بالاست و ناامنی و تزلزل زندگی زن چاره‌ناپذیر است. تحمل عوارض جانکاه ناشی از طلاق و مطلقه شدن نیز بسیار شکننده است. از دید ایشان، ازدواج سفید هرچند در مقایسه با الگوی رسمی و جاری به لحاظ صوری و ثبت در اسناد کاغذی، موقعیت منحط و دون‌پایه‌ای دارد و مضرات آن بیشتر از منافعی است؛ اما در مقایسه با همین الگو در شکل عملی و رایجش در میان مردم، چندان هم که برخی فکر می‌کنند، سفیهانه و غیرعقلایی نیست.

ب) بالا رفتن سن ازدواج عمدتاً به دلیل ناتوانی اقتصادی اکثریت جوانان و خانواده‌های از تأمین ملزومات قهری ازدواج رسمی (مثل شیربها، خرید بازار، جهیزیه، مراسم عقد و عروسی، رهن و اجاره مسکن و تأمین نفقه) بیکاری شایع، غیرمکفی بودن درآمد حاصله در مقایسه با هزینه‌های فزاینده و به‌طورکلی بروز فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی عامل اصلی رویگردانی اکثریت جوانان از اقدام به ازدواج رسمی در سن مقتضی است.

ج) مهاجرت جوانان شهرستانی به کلان‌شهرها با هدف اشتغال و ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها؛ دوری از خانواده و احساس تنهایی، نیاز عاطفی به رفیق و همدم، ضعف بنیه مالی و نیاز به کمک‌خرج (به‌ویژه برای خانم‌ها)، صعوبت تهیه مسکن اجاره‌ای به‌صورت انفرادی، رهایی از نظارت و کنترل خانواده و آشنایان و فشار هنجاری موجود در شهر و دیار و مناطق مسکونی مألوف و... که خود زمینه را برای انتخاب و ترجیح این گزینه به‌رغم مخاطرات قهری و پیامدهای قابل پیش‌بینی آن به‌ویژه در خانم‌ها مساعد می‌کند. یک زن یا دختر شهرستانی با تن دادن به ازدواج سفید می‌تواند هرچند موقتاً بر برخی از مشکلات طاقت‌فرسای سکونت در شهرهای بزرگ فائق آید و برخی از نیازهای امنیتی، ارتباطی، عاطفی، مالی، اجتماعی و جنسی خود را هرچند به‌صورت متزلزل و گذرا رفع و رجوع کند. گفتنی است که پناه‌جویی و ایجاد مصونیت نسبی در مقابل تعرضات محتمل مردان هوسران و فرصت‌طلب، از جمله دلایل زنان و دختران شهرستانی برای تن دادن به ازدواج سفید و گره زدن خود به دیگری، ذکر شده است.

د) ضعف یا عدم اعتقاد به بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، منش‌ها، هنجارها و آرمان‌های

دینی (در بعد نظری) و ضعف یا عدم التزام به رعایت احکام و فرمان‌های دینی و اخلاقی (در بعد عملی) به‌ویژه تحت تأثیر غلبه فرهنگ سکولار ناشی از موج‌های فرهنگی وارداتی، شبهات و گره‌های ذهنی، تلقی‌های سطحی از معارف دینی، ضعف تربیت و جامعه‌پذیری دینی، سرخوردگی از عملکرد کارگزاران نظام اسلامی، تلقی خوش‌بینانه از الگوهای زیستی مدرن و... برخی را به دین‌گریزی و تقابل با فرهنگ و ارزش‌های دینی و مرجعیت الگویی آن در همه یا برخی ساحت‌ها سوق داده است. در تلقی برخی از دگراندیشان و پذیرندگان آموزه‌های فمینیستی، الگوی رسمی ازدواج در ایران عمیقاً ریشه در دین و سنت مورد تأیید دین دارد. وقوع انقلاب اسلامی و مرجعیت یابی بلامنزاع دین، مانع از اعمال تغییرات جدی در این الگوی سنتی و به‌جامانده از گذشته به‌رغم اقتضائات دوران است. از این‌رو، کسانی که با مرجعیت دین در سطوح مختلف اجتماعی چالش می‌کنند، از پذیرش سبک زندگی دینی و مؤلفه‌های آن همچون ازدواج در الگوی مرجح آن نیز سرباز می‌زنند و به الگوهای بدیل روی می‌آورند.

ه) افول موقعیت و جایگاه ازدواج و زناشویی از یک پیمان الهی مقدس به یک قرارداد اجتماعی خودخواسته و تقلیل کارکردهای متنوع آن به‌صرف ارضای تمنیات جنسی (اصالت یابی ارضای نیاز جنسی و عاطفی طرفین در مقایسه با سایر کارکردها).

و) میل به تعدی از الگوهای رفتار جنسی پذیرفته‌شده تحت تأثیر ورود جریان‌های فرهنگی بیگانه، الگوگیری از مراجع بیرونی، رجحان یابی سبک زندگی غربی تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن، ارتباطات میان فرهنگی گسترده به‌ویژه از طریق رسانه‌های جمعی جهان‌گستر (ماهواره‌ها، اینترنت)، محصولات فرهنگی وارداتی (مثل سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای و...).

ز) میل وافر برخی از مردان و زنان، به کام‌جویی موقت، تکرارپذیر و تجدیدشونده با شرکای جنسی مختلف تحت تأثیر روحیه عشرت‌طلبی، تنوع‌خواهی و لذت‌جویی هواپرستانه و عاری از هر نوع تعهد و مسئولیت مدنی و اخلاقی؛ جالب اینکه برخی از طالبان ازدواج سفید، در بیان چرایی ترجیح خود، به فقدان قیدوبندهای مدنی و امکان رهایی آسان از تعلقات نیم‌بند آن استناد جسته‌اند.

ح) ادعای اینکه این همخانگی موقت بالقوه می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای حصول آشنایی بیشتر طرفین با ویژگی‌های شخصیتی و خلق و منش یکدیگر و بستری مطمئن جهت اتخاذ تصمیم واقع‌بینانه در خصوص ازدواج رسمی، فراهم آورد.

ط) توسل به توجیهات فریبنده. برخی افراد، ازدواج سفید را به اشتباه و از روی ناآگاهی، همان ازدواج موقت دارای مجوز شرعی می‌پندارند، عدم وجود صیغه را نشانه معاطاتی بودن آن، فقدان رضایت پدر را به اختلافی بودن آرای فقها در این خصوص و کاستی‌های دیگر

آن را به گونه‌های مختلف توجیه می‌کنند. از دید ایشان، داشتن برخی شروط (مثل بلوغ، آگاهی، اختیار، رضایت و تصمیم) برای مشروعیت آن کافی است (ناصواب بودن این قیاس در ادامه توضیح داده خواهد شد).

ک) بالا رفتن سن ازدواج و عدم امید به یافتن همسر مناسب یا ممانعت خانواده از ازدواج با فرد موردعلاقه (توجیه برخی خانم‌ها برای تن دادن به این الگو).

ل) تجربه طلاق و شکست در ازدواج یا ازدواج‌های قبلی و احساس عدم موفقیت در تأمین ملزومات زندگی مشترک رسمی و دائمی.

م) احساس استقلال (پسر با دختر) و خوداتکایی به دلیل زندگی طولانی مدت در فضای عاری از نظارت و کنترل والدین (به‌ویژه به دلیل طلاق آن‌ها) و سایر بستگان تأثیرگذار.

ن) فرار دختران از خانه و احساس طردشدگی از سوی خانواده (به‌ویژه برای دخترانی که اغفال توسط شیاطین را تجربه کرده‌اند).

س) زوال دوشیزگی به دلیل برخی اشتباهات و درگیر شدن در روابط پرخطر جنسی که ممکن است ادامه حضور در این چرخه را به‌رغم تمایل توجیه کند.

ع) وجود برخی اختلالات شخصیتی تحت تأثیر تجربه‌های تلخ زندگی و تربیت ناسالم.

ف) برخی زمینه‌های محیطی نیز در این خصوص نقش تسهیل‌کننده و ترغیب‌کننده دارند. برای نمونه، رواج درجاتی از بی‌بندوباری ارتباطی تحت تأثیر لیبرالیسم اخلاقی، اعتقاد به تشابه و برابری جنسیتی تحت تأثیر آموزه‌های فمینیستی و تحقق آن در الگوی ازدواج سفید، زندگی در شهرهای بزرگ و دوری از نظارت خانواده و فشار هنجاری محیط‌ها و محله‌های کوچک (و احساس گمنامی و دوری از تیررس نگاه‌های معنی‌دار آشنایان)، دسترسی آسان به مسکن اجاره‌ای (تحت تأثیر مساعدت آژانس‌ها و مالکان منازل و حس ترحم نسبت به شهرستانی‌های مهاجر)، آپارتمان‌نشینی (و امکان مخفی داشتن رابطه به دلیل عدم ارتباط همسایگان با یکدیگر، عدم کنجکاوی و تفحص از احوالات یکدیگر به بهانه عدم جواز ورود به حریم خصوصی افراد، عدم امکان تشخیص روابط رسمی و غیررسمی افراد از طریق علائم ظاهری)، سنگینی بار تعهدات عرفی و قانونی ازدواج رسمی، بالا رفتن نرخ طلاق در جامعه و ترس از ابتلای بدان در آینده زندگی و تحمل پیامدها و هزینه‌های قهری آن به‌ویژه برای زنان مطلقه و...

گفتنی است که مهاجران خارجی در برخی کشورهای غربی گاه با هدف اخذ ویزا و حل مشکل اقامت، (برخورداری از منافع و امتیازات اقامت) و مصونیت از تهدیدها و مجازات‌های معمول، به این نوع ازدواج صوری توسل می‌یابند (آزاد ارملی و همکاران ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱؛ لیبی ۱۳۹۳، ۲۹۳؛ احمدی ۱۳۹۷؛ محمدی اصل ۱۳۹۳، ۲۰؛ بستان ۱۳۹۲، ۶۴ و ۹۲؛ مصاحبه‌ها).

۴) آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی

ازدواج سفید به‌رغم فراوانی وقوعی بسیار محدود آن بالقوه ظرفیت بالایی برای تولید آثار و پیامدهای منفی و مخرب در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی را دارد. بدیهی است که به‌موازات رشد کمی، بسط قلمرو مکانی، تنوع یابی اشکال و اقبال بیشتر جوانان به‌رغم محدودیت‌ها و موانع فرهنگی اجتماعی، این آثار نیز جلوه‌نمایی آشکارتری در گستره حیات جمعی خواهد یافت. اهم آثار و پیامدهای کژکارکرد این الگوی زیستی را می‌توان در محورهای ذیل فهرست نمود.

یک) استرس، اضطراب، ناامنی و تشویش دائم طرفین (یا مشخصاً و مؤکداً شریک مؤنث)؛

دو) نقض صریح قواعد و هنجارهای عرفی، شرعی و قانونی (ارتکاب توأمان جرم و گناه)؛

سه) ترس از پیگیری و مجازات (اجرای حدود) توسط نهادهای انتظامی و قضایی؛

چهار) احتمال افشای رابطه و در معرض طعنه و تمسخر اطرافیان قرار گرفتن؛

پنج) احساس حقارت در مقایسه وضعیت و شرایط زیستی خود با سایرین؛

شش) تشدید میل به گریز از خانواده (خانم‌های مقیم معمولاً با توسل به دروغ حضور طولانی‌مدت خود را در بیرون از خانه توجیه کنند و خانم‌های شهرستانی غالباً به بهانه کثرت اشتغال و عدم فرصت و فراغت، دیدار با خانواده را به تعویق می‌اندازند)؛

هفت) ناپایداری رابطه و تزلزل آن (طبق مطالعه عمر ازدواج سفید در ایران بین یک تا

سه سال برآورد شده است)؛

هشت) آینده نامعلوم و غیرقابل پیش‌بینی و احتمالاً پرمخاطره و خسارت‌بار؛

نه) خوف از طرد شدن توسط خانواده به دلیل حرمت‌شکنی (برای دختران)؛

ده) محرومیت از حقوق و امتیازات همسری (همچون شأن اجتماعی، تخصیص مهریه، استحقاق

دریافت نفقه، وام ازدواج، مسافرت در معیت شریک، استفاده از هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و...)

یازده) ترس از انصراف و متارکه طرف و شکست عشقی (زنان معمولاً در این نوع

شکست‌ها، برای بازسازی ذهنی، روانی، اجتماعی و اقتصادی خود با سختی‌های بیشتری

مواجه‌اند و گاه میان یک گسست تا برقراری پیوند با شریک بعدی مدت‌ها فاصله می‌افتد)؛

دوازده) ترس از احتمال خیانت جنسی طرفین به یکدیگر (و ارتباط پنهان با سایرین)؛

سیزده) ترس از طولانی شدن این دوره و از دست رفتن فرصت برای ازدواج رسمی

(به‌ویژه برای خانم‌ها)؛

چهارده) ترس از عهدشکنی طرف مذکر و عدم اقدام به تبدیل وضعیت موجود (تصمیم

به ازدواج دائم وعده داده شده)؛

پانزده) نگرانی از عدم موافقت و همراهی خانواده برای ازدواج دائم با شریک جنسی؛

شانزده) ترس از زوال دوشیزگی و کاهش شانس برای ازدواج بعدی (برخی دختران به غلط، داشتن پرده بکارت را سرمایه و امتیازی شخصی و خود را اختیاردار آن می‌انگارند، در حالی که جامعه به هیچ وجه این توجیه را نمی‌پذیرد و زوال آن را نشانه گویایی بر گستاخی و بی‌مبالاتی اخلاقی و بالطبع افول اعتبار و منزلت اجتماعی فرد در نظام ارزشی غالب، تلقی می‌کند)؛

هفده) ترس از بارداری ناخواسته و تبعات قهری آن؛

هجده) ترس از الزام ناخواسته به سقط جنین و عوارض جسمی، روحی و اجتماعی آن (غیرقانونی بودن سقط، شرایط سخت انجام آن، بعضاً توسل قهری به مراکز غیربهداشتی و افراد غیرمتخصص (به دلیل محدودیت استفاده از مراکز مجاز)، هزینه‌های مادی آن، خوف از افشای این جنایت و پیامدهای حقوقی و شرعی آن)؛

نوزده) ترس از بی‌هویتی فرزند سقط نشده (به دلیل احتمال استنکاف مرد از پذیرش آن و مشکل اثبات نسب)؛ در صورت پذیرش فرزند از سوی مرد نیز به دلیل عدم اجرای صیغه و عدم مشروعیت عقد معاطاتی، فرزند تولیدی نامشروع شمرده می‌شود (مگر از دید فقهای که جهل طرفین را مانع حرام‌زادگی فرزند دانسته و آن را به اصطلاح فقهی، ولد شبهه می‌خوانند)؛ و نیز محرومیت فرزند از دریافت شناسنامه، ارث پدری یا والدینی و مخدوش شدن هویت اجتماعی او در آینده. علاوه اینکه معمولاً طرفین یا حتی مادر انگیزه کمی برای تربیت و جامعه‌پذیری این نوع فرزندان متناسب با انتظارات را دارند)؛

بیست) ترس از ناتوانی حقوقی در اقامه دعوا و دادخواهی از مراجع قضایی در صورت بروز خشونت و ایذا و ابتلای زن به ضرب و جرح شریک؛

بیست و یک) ترس از ابتلا به برخی بیماری‌های مقاربتی مسری نظیر ایدز و هپاتیت؛

بیست و دو) کاهش تمایل افراد به ازدواج دائم و تشکیل خانواده به دلیل جاذبه‌های وسوسه‌انگیز ازدواج سفید و فراغت طرفین از تعهدات مدنی و حقوقی؛

بیست و سه) محروم شدن از فواید ازدواج پاک و آثار روحی و معنوی آن به‌ویژه نقش بالقوه آن در استكمال روحی و تعالی اخلاقی؛

بیست و چهار) افزایش تمایل به طلاق در صورت تبدیل شدن وضعیت هم‌خوابگی به ازدواج دائم؛^۱

بیست و پنج) محرومیت از آرامش، سکینه، شادی و نشاط (به‌عنوان ثمرات ازدواج مطلوب که قرآن کریم در سوره روم، آیه ۲۱، بدان بشارت داده است) تحت تأثیر التهابات دائم؛

۱. مطالعات انجام‌شده در آمریکا و سوئد نشان داده است که میزان طلاق در میان افرادی که قبلاً یک دوره هم‌خانگی را گذرانده‌اند ۸۰ درصد بیشتر از میزان طلاق در میان کسانی بوده است که چنین تجربه‌هایی نداشته‌اند (بستان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).

بیست و شش) محروم شدن از شأن و منزلت مادری و داشتن فرزند به‌عنوان یک سرمایه وجودی و تکیه‌گاهی برای دوران کهولت و عجز؛

بیست و هفت) تکثیر فرزندان بی‌هویت، بی‌سرپرست یا بد سرپرست در جامعه (تحمیل آن‌ها به مراکز بهزیستی و جامعه کل)؛

بیست و هشت) تقویت روحیه مسئولیت‌گریزی در افراد به‌عنوان پیامد زندگی طولانی‌مدت در چارچوب چنین الگویی؛

بیست و نه) تکرار شکست‌های عشقی و تشدید اختلالات روانی (که در مواردی فرد را تا سر حد جنون و خودکشی پیش می‌برد)؛

سی) کاهش راندمان کار و پیشرفت تحصیلی به‌ویژه برای خانم‌ها به دلیل دل‌مشغولی‌های دائم (خسارتی که در کلان به جامعه متوجه می‌شود)؛

سی و یک) عادی شدن خشونت علیه زنان و محرومیت آن‌ها از احقاق حق؛

سی و دو) بالا رفتن تمایل به مصرف مخدر و قرص‌های روان‌گردان برای فروکاست نگرانی‌های مزمن؛

سی و سه) رونق بازار خرید و فروش نوزادان به دلیل مشکل حضانت و سرپرستی آن‌ها؛

سی و چهار) احتمال افزایش دوران مجردی و اکتفای مکرر به تجربه این نوع رابطه؛

سی و پنج) در صورت جدایی یک‌سویه، همواره در معرض تهدید طرف مقابل بودن؛

سی و شش) ترس از ابتلا به عذاب الهی (به‌عنوان پیامد اخروی این گناه و گاه حرمت‌شکنی خانواده)؛

سی و هفت) تحمیل هزینه‌های اضافی بر جامعه به دلیل شیوع روابط ناسالم و بی‌مبالاتی اخلاقی و ضرورت برخورد همه‌جانبه با آن؛

سی و هشت) کثرت مولید ناخواسته و فرزندان بی‌هویت در جامعه با پیامدهای سوء آن؛

سی و نه) کاهش نرخ باروری، تحدید نسل و تهدید جمعیت به دلیل شیوع این نوع ازدواج‌ها که فلسفه وجودی آن ارضای نیاز جنسی عاری از عوارضی همچون تولید نسل است (ر.ک: مینویی ۱۳۹۳، ۱-۱۲؛ گاردنر ۱۳۹۲، ۲۶۹؛ عبدی نیان و علامت ساز ۱۳۹۸؛ مطهری ۱۳۷۸، ۱۹، ۴۳۷؛ جوکار ۱۳۸۹؛ افراسیابی ۱۳۹۰، ۷؛ نوایی ۱۳۹۳؛ هاجری ۱۳۸۲، ۵۴ و ۵۹-۶۰؛ سمیعی ۱۳۹۳، ۶۴-۶۵؛ ماجراجو ۱۳۸۳، ۴۷).

(۵) سنت ازدواج

نهاد خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اولیه و اصیل، عمری به درازی حیات اجتماعی

۱. طبق مطالعه، میزان نوزادان نامشروع حاصل از این نوع پیوندها، در کشور سوئد از ۱۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۵۱ درصد در سال ۱۹۸۸ افزایش داشته است (هاجری ۱۳۸۲، ۵۹-۶۰).

بشر دارد. سنت ازدواج با رعایت مجموعه‌ای از قواعد و تشریفات عرفی، مقدمه و پیش‌نیاز تشکیل خانواده است. نهاد خانواده، همواره نقش‌ها و کارکردهای مهم و بعضاً بی‌بدیلی را عهده‌دار بوده و رمز ماندگاری آن به‌رغم تغییرات گسترده، ایفای نقش محوری در تأمین این ضرورت‌هاست. ارضای ضابطه‌مند نیاز جنسی به‌عنوان یک نیاز اصیل و کانونی، تأمین نیازهای عاطفی، تولید نسل، جامعه‌پذیری و تربیت نسل، سرپرستی افراد سالخورده، انتقال میراث عمده‌ترین کارکردهای این نهاد کهن بوده است.

ادیان الهی نیز همواره از این نهاد محوری به دلیل جایگاه و نقش‌های اساسی آن به طرق مختلف حمایت کرده‌اند. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین نسخه هدایت الهی، ضمن تأیید و تقویت و ارتقا و استكمال برخی قواعد و معیارها و پالایش و تصفیه برخی دیگر و نیز ابطال برخی از الگوهای رایج ازدواج در عصر جاهلیت زمان ظهور، دو الگوی رایج این سنت تحت عنوان ازدواج دائم و ازدواج موقت را با اعمال اصلاحاتی موردحمایت قاطع خود قرار داد و ازدواج را برای همه واجدین شرایط، مستحب مؤکد (و برای برخی در شرایط خاص واجب) قرار داده است. بر آگاهان پوشیده نیست که مدرنیته به‌رغم نقش محوری در شکوفایی، بسط و تعمیق همه نهادهای اجتماعی، نقش قاطع و بی‌بدیلی در تخریب خانواده در الگوی سنتی آن به‌ویژه از طریق بدیل تراشی‌های بی‌وقفه داشته است و به تعبیر گاردنر، جنگی تمام‌عیار را علیه خانواده به راه انداخته است. «ازدواج سفید» نیز یکی از همان بدیل‌های چندگانه است. نظر به اینکه برخی از طرف داران ازدواج سفید، آن را به اشتباه چیزی مشابه ازدواج موقت در فقه شیعه قلمداد کرده‌اند، توضیحی هرچند اجمالی برای رفع این ابهام و دفع این قیاس مع‌الفارق ضروری به نظر می‌رسد.

ازدواج موقت نوعی ازدواج شرعی و اسلامی است، هرچند عرف ایرانی چندان صمیمیتی با آن ندارد. این ازدواج با انتخاب، قصد و اراده و رضایت طرفین برای مدت معلومی منعقد می‌گردد؛ در آن صیغه یعنی ایجاب و قبول تبادل می‌شود؛ صحت ازدواج دوشیزه همچون ازدواج دائم منوط به اذن پدر است؛ مرد از پرداخت نفقه معاف اما به پرداخت مهریه طبق توافق متعهد است؛ زوجین در این مدت به معاشرت معروف و حسن سلوک موظف‌اند؛ زن در قبال مهر دریافتی، مأمور به تمکین خاص و رابطه زناشویی است؛ فلسفه این پیوند، هرچند تولید فرزند نیست؛ اما در صورت انعقاد نطفه، طفل تکون یافته، فرزند شرعی طرفین بوده و همه آثار فرزند در عقد دائم بر او مترتب می‌شود؛ زن در مدت قرارداد، حق مزاجت با کس دیگری ندارد؛ بعد از اتمام مدت مقرر یا بخشش آن توسط مرد، زن تا دست‌کم ۴۵ روز بعد از آن باید عده نگه دارد و از ازدواج با دیگری در این مدت اجتناب ورزد؛ در این نوع ازدواج، هیچ‌یک از زوجین از دیگری ارث نمی‌برد. گفتنی است که در گذشته به دلیل برخی ملاحظات و حساسیت‌ها، این نوع ازدواج غالباً به‌صورت مخفی انعقاد می‌یافت و در

دفاتر رسمی ثبت نمی‌شد؛ اما در یکی دو دهه اخیر به دلیل وقوع پاره‌ای مشکلات، مقامات قضایی بر ثبت آن در دفاتر رسمی اصرار و تأکید دارند، اگرچه عده‌ای چندان به این توصیه خردمندانه اعتنا نمی‌کنند. ادعای نوشتار این است که ازدواج موقت، در چارچوب قواعد شرعی، جایگزین مناسب و مرجحی برای ازدواج سفید است (ر.ک: بستان ۱۳۹۲، ۱۴، ۶۴-۶۵، ۱۳۷، ۱۸۰-۱۸۸؛ بستان و همکاران ۱۳۸۳، ۱۷-۶۴؛ گلچین و سیدی ۱۳۸۴).

۶) راهکارهای مقابله با اشاعه ازدواج سفید

الف) فضاسازی فرهنگی اجتماعی برای بسط ارزش‌های دینی و مهار بی‌بندوباری اخلاقی؛
 ب) اهتمام به جامعه‌پذیری دینی و تقویت ایمان مذهبی؛
 ج) اقدامات مقتضی برای رفع مشکلات موجود در مسیر ازدواج جوانان (اعطای وام ازدواج، ایجاد شغل، ساخت مسکن و...)
 د) تلاش در جهت اصلاح فرهنگ موجود و کاستن از تشریفات زائد ازدواج؛
 هـ) تقویت نهادهای مدنی و خیرین جامعه برای مشارکت و سرمایه‌گذاری در امر ازدواج؛
 و) سوق دادن دانشجویان به تحصیل در دانشگاه‌های موجود در استان‌های محل سکونت آن‌ها؛

ز) تلاش در جهت استقرار هر چه بیشتر عدالت توزیعی و تمرکززدایی از کلان‌شهرهای دارای امکانات نسبتاً فراوان در جهت رونق بخشی به مناطق محروم؛
 ح) اطلاع‌رسانی، ایجاد حساسیت در فرهنگ عمومی و تقویت فرایندهای نظارتی و کنترلی برای روند وقوعی این پدیده در کلان‌شهرها (به‌جای مخفی‌کاری و کتمان آن)؛
 ط) ایجاد زمینه برای انجام تحقیقات علمی پیرامون این موضوع و ابعاد مختلف آن؛
 ی) اعمال مجازات‌های سخت علیه واسطه‌ها و ترویج‌کنندگان این پدیده.

۷) رویکرد فقهی به ازدواج سفید

برخی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به سؤالات مکتوب نویسندگان مقاله (جناب عراقی)، موضع فقهی خود را در باب ازدواج سفید و ابعاد آن به شرح ذیل مرقوم داشته‌اند. سؤال: از جمله مسائل مستحدثه و جدید در حوزه ازدواج و خانواده، ازدواج موسوم به ازدواج سفید است؛ ازدواجی بدون قید و بند، بدون هرگونه مسئولیت و تعهد نسبت به یکدیگر و نسبت به فرزندان، پیوندی صرفاً مشارکتی برای تأمین نیاز جنسی، مالی و تاحدی احساسات و به دست آوردن آرامش گمشده. مستدعی است در پاسخ به سؤالات شرعی پیش‌آمده در خصوص این پدیده نوظهور نظر شریف خود را مرقوم فرمایید.

۱) ازدواج سفید شرعاً چه حکمی دارد؟

- ۲) فرزندان احتمالی ناشی از این نوع ازدواج، چه حکمی دارند؟
۳) ترویج ازدواج سفید در نظام اسلامی چه حکمی دارد؟
۴) بر فرض پذیرش نکاح معاطاتی، می‌توان ازدواج سفید را از مصادیق آن برشمرد؟
(تاریخ استفتاء ۱۳۹۵/۷/۱۴)

الف) آیت‌الله سید علی سیستانی

«ازدواج یا دائم یا موقت و هرکدام احکام خود را دارد و پدر مسئولیت فرزند را دارد حتی اگر از راه حلال هم نباشد» (ذخیره‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له، بخش سؤالات فقهی، به نشانی www.sistani.org با کد استفتاء ۵۳۸۱۰۱).

ب) آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

«به‌طورکلی ازدواج به‌گونه‌ای که در سؤال آمده که در وظایف دینی محوله از جانب شرع نسبت به زوجین و یا فرزندان بی‌قید بوده و نیز ازدواج معاطاتی خلاف شرع و باطل است و ترویج چنین ازدواجی باطل دیگری است والله العالم» (سوم محرم الحرام ۱۴۳۸ مصادف با ۹۵/۷/۱۴ به شماره دفتری ۹۵/۰۷/۹۹، ذخیره‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له به نشانی www.saafi.net به شماره ۱۱۹۷۳۶).

ج) آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

یک) بدون شک رضایت قلبی کافی نیست و چنین ارتباطی، ارتباط نامشروع است و به عقیده ما نام ازدواج بر آن صحیح نیست خواه سفید باشد یا سیاه.
دو) نکاح معاطاتی باطل است و در عقد ازدواج خواه دائم باشد یا موقت، خواندن صیغه لازم است و رضایت طرفین به‌تنهایی کافی نیست و صیغه عقد را طرفین یا وکیل آن‌ها می‌توانند بخوانند (ذخیره‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له، بخش سؤالات فقهی، به نشانی www.makarem.ir).

د) آیت‌الله سید محمدعلی علوی گرگانی

یک) ازدواج سفید اگر بدون انجام هرگونه عقد شرعی باشد در حقیقت نوعی رابطه نامشروع و حرام است و فرزندان به دنیا آمده هم زنازاده هستند؛ اما اگر همراه با عقد شرعی باشد احکام شرعی خاص خود را خواهد داشت مگر دو طرف حقوق مخصوص خود را به دیگری ببخشند مثلاً زن حق نفقه را ببخشد و یا مرد از حق اطاعت زن نسبت به مرد گذشت کند، البته برخی احکام نیز با بخشش طرفین از بین نمی‌رود؛ مثلاً زن دیگر حق ندارد با مرد دیگر در این مدت رابطه داشته باشد.

دو) ترویج این نوع ازدواج در جامعه برخلاف استحکام بنیان خانواده و موجب هرج و مرج اجتماعی خواهد شد و اصلاً به صلاح جامعه نیست.

سه) نکاح معاطاتی مورد پذیرش ما نیست (ذخیره شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم له، بخش سؤالات فقهی، به نشانی www.gorgani.ir).

در سایت حوزه نت نیز استفتائاتی از مراجع عظام تقلید نقل شده که به تناسب به سه مورد آن اشاره می‌شود:

«فارغ از سایر شرایط از جمله رضایت دختر و پسر در ازدواج سفید برای بودن با یکدیگر، خواندن صیغه لازم است» (آیت‌الله شبیری زنجانی).

«اگر از هم‌بستری بدون خواندن صیغه عقد، دختر حامله شده باشد و یا فرزندی به دنیا آورده باشد، حکم فرزند وطی به شبهه بوده و حلال‌زاده است. در این شرایط برای محرمیت باید احتیاطاً از پدر اذن بگیرد» (آیت‌الله سبحانی تبریزی).

«ازدواج دختر باکره (موقت یا دائم) بدون کسب اجازه ولی دختر جایز نبوده و ازدواج باطل است و منظور از باکره دختری است که قبلاً با اجازه ولی، شوهر نکرده است، خواه عضو بکارت موجود باشد، یا نه» (آیت‌الله مکارم شیرازی) (نقل از سایت حوزه نت).

«عقد معاطاتی به معنای رایج یعنی عقد بدون اجرای صیغه و ایجاب و قبول. چون مشهور فقها، لفظی بودن ایجاب و قبول را در عقد نکاح شرط می‌دانند؛ لذا نکاح معاطاتی باطل است. در این مورد ادعای اجماع شده است» (امام خمینی بی‌تا، ۲، ۲۳۴) (در ابعاد فقهی موضوع ر.ک: سیدی بنایی ۱۳۹۰؛ لشنی ۱۳۹۷).

۸) رویکرد حقوقی به ازدواج سفید

در قوانین موجود اگرچه هنوز احکام مشخصی در خصوص ازدواج سفید تدوین و تصویب نشده؛ اما با توجه به مجازات‌های مقرر برای روابط خارج از ازدواج شرعی می‌توان موضع قوانین موجود را که متخذ از شریعت اسلامی‌اند نسبت به ازدواج سفید برآورد کرد:

برای نمونه، طبق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است و چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد.»

لایحه حمایت از خانواده این مجازات را به جزای نقدی (۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال) تبدیل کرده است. در فصل هجدهم از قانون مجازات اسلامی در مبحث جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی، در ماده ۶۳۷ آمده است: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل [بوسیدن] یا مضاجعه

[باهم خوابیدن یا هم‌بستر شدن] شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد. همچنین در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲/۲/۱ آمده است: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه [مرد و زن متأهل] است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک است» و اما در ماده ۲۳۰ از همان قانون آمده است:

«حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن [مجرد] باشد، صد ضربه شلاق است»

بر اساس ماده ۸۸۴ قانون مدنی، ولد الزنا از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد؛ لیکن اگر حرمت رابطه‌ای که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد، طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می‌برد و برعکس. همچنان که مشخص است از دیدگاه حقوقی برای زن و مردی که بدون ازدواج قانونی (دائم یا موقت) باهم زندگی می‌کنند به دلیل عدم ثبت قانونی، روابط نامشروع و زنا دارای پیگرد قانونی و کیفری‌اند و اگر فرزندی از آن‌ها متولد شود، از ارث محروم خواهد شد.

گفتنی است که طبق قانون خانواده، زوجین باید علاوه بر رعایت همه شروط، تمهید مقدمات، رضایت همراه با قصد واقعی و اجرای صیغه عقد، در صورت داشتن اراده دوام، باید آن را در دفاتر اسناد رسمی، به ثبت برسانند. چنین الزامی در ازدواج موقت نیست. مطابق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت نیز در صورت باردارشدن زوجه یا توافق دو طرف به هنگام انعقاد نکاح یا درج به صورت شرط ضمن عقد، الزامی است؛ بنابراین اگر افرادی صرفاً به دلیل توافق طرفینی این نوع زندگی مشترک (هم‌باشی) را انتخاب کرده باشند، چنین توافقی برخلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه و مصالح جمعی خواهد بود و توافقی نامشروع تلقی می‌شود. طرفین به دلیل ارتکاب عمل نامشروع و فعل حرام مطابق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مورد تعقیب و مجازات قرار خواهند گرفت و فرزند حاصل از این ارتباط نامشروع، از حقوق اجتماعی از جمله ارث، تحصیل و شناسنامه محروم خواهد بود. همسر وی نیز مستحق دریافت نفقه نخواهد بود (ر.ک: قنبریان ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

ازدواج سفید در ایران به‌عنوان پدیده‌ای غیرمنتظره، چند سالی است که در برخی کلان‌شهرها هرچند به صورت پنهان در میان برخی جوانان رواج یافته است و به دلیل تداوم زمینه‌ها و شرایط محیطی، روندی روبه گسترش دارد. این پدیده هرچند به‌عنوان مؤلفه‌ای از سبک زندگی غربی، پدیده‌ای وارداتی است؛ اما اقبال از آن در جامعه سنتی مذهبی ایران،

به علل، دلایل، زمینه‌ها و اقتضائات محیطی خاصی مستند است که در جای خود نیاز به بحث و بررسی دارد. این پدیده‌ها به‌رغم فراوانی اندک، آثار و پیامدهای سویی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد که کاملاً قابل پیش‌بینی است. بدیهی است که به‌موازات رشد کمی آن، پیامدهای سوءش نیز در گستره‌ای وسیع‌تر، جریان خواهد یافت. ازدواج سفید به دلیل فقدان مجوز عرفی، شرعی و قانونی نباید در سایه تسامح و تغافل مردم و مسئولان امر به حیات خود ادامه دهد. از این رو، انتظار این است که در سطوح فرهنگی، اجتماعی و قضایی اقدامات مناسبی در راستای کنترل روند و مهار آن صورت گیرد. بدیهی است که مقابله مؤثر با این سنخ انحرافات نیازمند زنجیره‌ای از اقدامات همه‌جانبه در سطوح مختلف است.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی، محمدحسین شریفی ساعی، مریم ایشاری، و سحر طالبی. ۱۳۹۰. «هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، دوفصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی ۳(۱): ۴۳-۷۷.
۲. آزاد ارمکی، تقی، محمدحسین شریفی ساعی، مریم ایشاری، و سحر طالبی. ۱۳۹۰. «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، دو فصل‌نامه جامعه‌پژوهی فرهنگی ۲(۲): ۱-۳۴.
۳. احمدی، کامیل. ۱۳۹۷. «خانه‌ای با در باز، پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران». (ذخیره شده در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان به نشانه: Kameelahmady.com).
۴. افراسیابی، فاطمه و صغری افراسیابی. ۱۳۹۰. روابط دختر و پسر قبل از ازدواج. قم: انتشارات وثوق.
۵. بستان، حسین. ۱۳۸۳. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بستان، حسین. ۱۳۹۲. جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. جوکار، محبوبه. ۱۳۸۹. «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر». فصل‌نامه طهورا ۳(۵).
۸. رضایی، حسن. ۱۳۹۴. «ازدواج سفید یا هم‌باشی سیاه». دوماهنامه فرهنگی اجتماعی پایش سبک زندگی ۲(۶).
۹. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۵. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
۱۰. سمیعی، محمد. ۱۳۹۳. خانواده در بحران، کشاکش الگوهای سنت و نوگرایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۱. سیدی بنایی، سید باقر. ۱۳۹۰. «بررسی نکاح معاطاتی از منظر فقه و حقوق موضوعه». فصل‌نامه تخصصی فقه و مبانئ حقوق اسلامی ۸(۲۹).
۱۲. قنبریان، مهدی. ۱۳۹۶. «بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب». مطالعات حقوقی ۱۷: ۱۶۹-۱۸۲.
۱۳. عبدی نیان، افروز، و بتول علامت ساز. ۱۳۹۸. «ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران».

- مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی ۲(۱۱).
۱۴. گاردنر، ویلیام. جنگ علیه خانواده. ترجمه معصومه محمدی. ۱۳۹۲. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۵. گلچین، مسعود و فرشته سیدی. ۱۳۸۴. «خانواده و ازدواج، در نگاهی تحلیلی و تطبیقی به ازدواج و طلاق جوانان» (مجموعه مقالات) ۱۲۱-۱۵۶. (این مقاله، قبلاً در فصل نامه مطالعات جوانان، شماره ۱۲، ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است)
۱۶. لیبی، محمدمهدی. ۱۳۹۳. خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی. تهران: علم.
۱۷. لشنی، موسی. ۱۳۹۷. «بازپژوهی فقهی ازدواج سفید». فقه و اصول. گفتمان فقه و اصول ۳(۴): ۱۳۳-۱۵۶.
۱۸. ماجراجو، محسن. ۱۳۸۳. روابط نامشروع دختران و پسران. تهران: فرهنگ مشرق زمین.
۱۹. محمدی اصل، عباس. ۱۳۹۳. «جنسیت و ازدواج سفید». ماهنامه گزارش ۲۶۳: ۱۸-۲۰.
۲۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله. بی تا. تحریر الوسیله. قم: موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۲۲. مینوئی، زهرا. ۱۳۹۳. «بررسی ابعاد حقوقی ازدواج سفید». ماهنامه زنان ایران ۵.
۲۳. نوایی، علی اکبر. ۱۳۹۳. «اهل بیت (علیهم السلام) الگوی زندگی پاک». دو فصل نامه تخصصی میراث طاها. پیش شماره ۳.
۲۴. هاجری، عبدالرسول. ۱۳۸۲. فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش‌رو. قم: بوستان کتاب.
۲۵. لغت‌نامه ویکی‌پدیا: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
۲۶. سایت حوزه نت: <https://hawzah.net/fa/>